





خوانش جامعه‌شناختی آرایه‌های فلزی درب مسجد صاحب‌الامر تبریز*

مهدی محمدزاده** ریحانه رشیدی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۶

صفحه ۴۹ تا ۶۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مسجد صاحب‌الامر از ابنیه تاریخی و مذهبی تبریز است که وجود آرایه‌های فلزی خاص نصب‌شده بر روی در آن که اکثراً متعلق به دوره قاجار می‌باشند، این مکان را از بُعد هنری نیز حائز اهمیت ساخته است. با در نظر داشتن این نکته که آثار و پدیده‌های هنری را اغلب می‌توان محصول شرایط و تحولات مختلف اجتماعی موجود در جامعه معاصر آن دانست، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تحولات اجتماعی و اندیشه‌های غالب در دوره قاجار چه تأثیری در ظهور چنین آرایه‌هایی داشته و آرایه‌های موجود تا چه اندازه بازنمایی‌کننده نگرش اجتماعی فوق است. با توجه به اینکه رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر، در پی نمایان ساختن نحوه ارتباط میان جامعه و هنر است، هدف پژوهش حاضر دستیابی به چگونگی بازتاب تحولات اجتماعی و اندیشه حاکم در جامعه تبریز دوره قاجار با تمرکز بر مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی است. **سوالات** این پژوهش عبارتند از: ۱- چه جریان‌ها و اندیشه‌هایی در جامعه در آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر تبریز نمود یافته‌اند؟ و ۲- آرایه‌ها در بردارنده چه مضامینی اند؟ **روش تحقیق** این پژوهش از نظر ماهیت و روش، تاریخی و توصیفی-تحلیلی بوده و با رویکرد بازتاب و روش تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی از طریق گردآوری مستندات کتابخانه‌ای و میدانی انجام‌گرفته است. **نتایج** نشانگر دو گروه عمده از آرایه‌های فلزی است، آرایه‌هایی با مضامین دینی و مذهبی و همچنین آرایه‌هایی با تلفیقی از مضامین عامیانه و مذهبی که انعکاسی از افکار و اندیشه‌های جاری در جامعه و متأثر از دو جریان مهم می‌باشند. مردم در این دوره از سویی به‌شدت متأثر از مذهب شیعه و واقعه‌ی عاشورا بودند و ارادت و ویژه‌ای به امامان معصوم به‌ویژه پنج‌تن و حضرت عباس داشتند و از سوی دیگر، با گسترش علوم غریبه، به‌نوعی با تلفیق مضامین عامیانه با برخی از اصول و مبانی دین و مذهب مواجه هستیم که بازتاب هر دو اندیشه را می‌توان در آرایه‌ها شاهد بود.

کلیدواژه‌ها

در مسجد صاحب‌الامر، آرایه‌های فلزی، مضامین دینی، باورهای عامیانه، دوره قاجار، تبریز.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «همنشینی مضامین دینی و باورهای عامیانه در آرایه‌های فلزی در ب‌های اماکن مذهبی تبریز (مسجد صاحب‌الامر و امامزاده سید حمزه تبریز)» می‌باشد که با حمایت مالی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام‌گرفته است.

Email: m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

** استاد دانشگاه هنر اسلامی تبریز. (نویسنده مسئول)

Email: r.rashidi@tabriziau.ac.ir

*** دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مقدمه

این آرایه‌ها به‌مثابه اثر هنری عامیانه است؛ همچنین ارزشمندی نقشی که در بازتاب فرهنگ و اندیشه مردمان در یک بازه زمانی می‌توانند ایفا نمایند. از سویی با توجه به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی جهت بررسی اندیشه‌های تأثیرگذار در بروز چنین پدیده‌ی هنری صورت نگرفته است، پژوهش حاضر سعی دارد با واکاوی و کنکاش از طریق متون تاریخی به‌ویژه سفرنامه‌ها و بر اساس رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر به آن بپردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف بنیادی و از نظر ماهیت و روش، تاریخی و توصیفی - تحلیلی است.

نحوه گردآوری اطلاعات، میدانی و از طریق عکاسی از تمامی آرایه‌های درب مسجد صاحب‌الامر به‌منظور ثبت و دسته‌بندی آن‌ها انجام گرفته و سپس به شیوه کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی از طریق بررسی متون و مستندات به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است تا بدین طریق تحولات و جریان‌ها در بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه در محدوده زمانی شکل‌گیری آثار هنری مدنظر مورد بررسی قرار گیرد.

چهارچوب نظری مدنظر در این پژوهش بر اساس رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر است. همچنین به دلیل اهمیت مضمون و محتوای آرایه‌های فلزی در پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی و تحلیل محتوا استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص کاربست رویکرد بازتاب در تحلیل آثار هنری می‌توان به پژوهش‌های مختلفی اشاره نمود. در مقالات «خاتون‌های شاهنامه بزرگ مغولی (تحلیل نقش و جایگاه زنان در شاهنامه بزرگ مغولی با رویکرد بازتاب)» در فصلنامه زن در فرهنگ و هنر شماره ۳، به نگارش الهه شهراد (۱۳۹۴)؛ «مطالعه تطبیقی رویکرد بازتاب در نقاشی‌های پیکره نگار نادرشاه و ناپلئون» در فصلنامه جلوه هنر شماره ۲، توسط ابوالقاسم دادور و آمنه مافی‌تبار (۱۳۹۵)؛ «خوانش جامعه‌شناختی مضامین کاشی تکیه‌ی معاون‌الملک»، در فصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات شماره ۲، به نگارش نسترن نوروزی (۱۳۹۶)؛ «بازتاب گفتمان ایران‌شهری در دیوارنگاره‌های مکتب قاجار (مورد پژوهی: دیوارنگاری مضامین قهرمانی دوره فتحعلی‌شاه)»، در فصلنامه نگره شماره ۵۳، به قلم محبوبه پهلوان و ترنم تقوی (۱۳۹۸) و «تحلیل نقوش اسکناس‌های ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر» در فصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات شماره ۱، توسط سینا سیدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی هستند که رویکرد

مسجد صاحب‌الامر از بناهای تاریخی - مذهبی تبریز است که در میان مردم این شهر همیشه از اهمیت و تقدس فراوانی برخوردار بوده. یکی از ویژگی‌هایی که این مکان را برجسته و متمایز می‌سازد، وجود آرایه‌های فلزی بر روی در ورودی این بنای تاریخی است. این آرایه‌ها به‌صورت آرایه‌های کتیبه‌ای از قبیل آیات قرآنی و انکار و آرایه‌های فلزی تصویری مثل دست (پنجه)، صورتک‌های انسانی و دیگر اشیائی است که بر روی در چوبی نصب شده‌اند. با توجه به اینکه اکثر آرایه‌ها به‌ویژه صورتک‌های انسانی، توسط مردم و در دوره قاجار نصب شده‌اند، این مکان در کنار ارزش‌های تاریخی و مذهبی، از بُعد هنری نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به طوری که می‌توان در را به‌مثابه اثر هنری پدید آمده از هنر عامیانه در نظر گرفت که از این منظر ضرورت شناخت آن از جهات مختلف حائز اهمیت می‌شود.

آرایه‌های فلزی نصب شده بر روی در می‌تواند بیانگر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه آن عصر باشد. با توجه به اینکه در ایران دوره قاجار، توده مردم متأثر و پایبند تعصبات و رسوم ملی و شعائر مذهبی بودند و از سویی، افکار و عقاید خرافی میان مردم و حتی درباریان قاجاری رواج داشته است؛ و با در نظر داشتن جایگاه مهم این مکان در زندگی اجتماعی مردم به‌ویژه در دوره قاجار، پژوهش حاضر بر آن است تا آرایه‌های نصب شده بر روی این در را به‌عنوان بخشی از فرهنگ بصری جامعه تبریز در دوره قاجار، بر اساس رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر و با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون ساختار اجتماعی و فرهنگی بررسی و تحلیل نماید. طبق این رویکرد اثر هنری بازتاب وقایع و شرایط اجتماعی است که در جامعه رخ می‌دهد و بدین گونه می‌تواند حاوی اطلاعاتی درباره جامعه باشد. مطالعه آرایه‌های فلزی در مورد اشاره می‌تواند همانند گنجینه‌ای که بخشی از تاریخ و فرهنگ را در خود دارد، بیانگر بخشی از واقعیت و فضای فکری جامعه مدنظر و از سوی دیگر منبع قابل‌تأملی برای فهم بهتر جامعه معاصر آفرینش این آرایه‌ها باشد تا ابعاد مختلفی از مناسک زندگی واقعی مردم را بر ما آشکار سازد.

بنابراین هدف اصلی پژوهش، دستیابی به جریان‌ها و اندیشه‌هایی است که شکل‌گیری و ظهور چنین آرایه‌هایی را موجب شده‌اند. در این راستا سوال‌های پژوهش بر اساس رویکرد بازتاب با بازگویی این اصل مهم که جریان‌ها و تحولات در جامعه در آثار هنری منعکس می‌گردند، ۱- چه جریان‌ها و اندیشه‌هایی در جامعه در آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر تبریز نمود یافته‌اند؟ ۲- آرایه‌ها مذکور در بردارنده چه مضامینی هستند؟

ضرورت و اهمیت این پژوهش مغفول ماندن

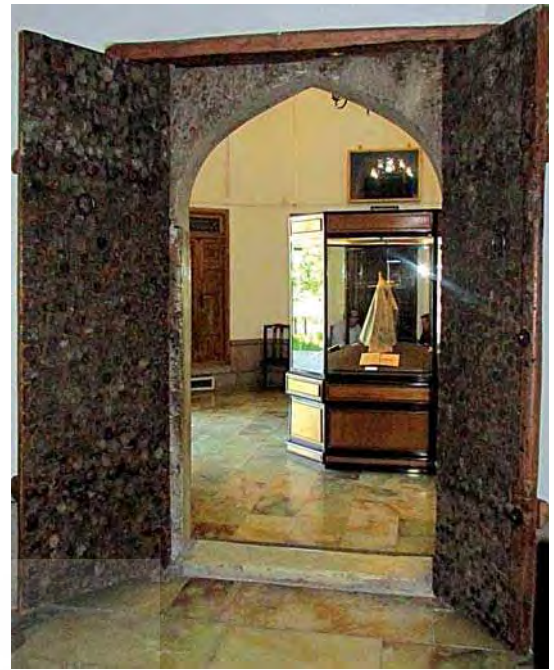
دوره قاجار در کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز»، انتشارات اقبال، سرگذشت نامه‌ها، آداب و رسوم و زندگی اجتماعی مردم و شاهان و فرمانروایان و آثار تاریخی تبریز را شرح داده و در متنی به بقعه صاحب‌الامر و بیان حکایتی مربوط به پناه آوردن گاو به آن مکان پرداخته است.

اسماعیل دیباج (۱۳۴۶)، در کتاب «آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان»، انتشارات شورای مرکزی جشن‌ها به صورت بسیار مختصر به بقعه صاحب‌الامر به عنوان یکی از آثار تاریخی تبریز اشاره دارد. عبدالعلی کارنگ (۱۳۷۴) در کتاب دیگری با عنوان «آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز» انتشارات راستی نو و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، به بقعه صاحب‌الامر به عنوان یکی از آثار تاریخی تبریز پرداخته است. در این کتاب علاوه بر بیان روایات و تزیینات این بنا مانند سنگ‌نیشته‌ها و کتیبه‌ها، تصویری از آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر ارائه شده است اما در این خصوص توضیحی بیان نشده است. موارد ذکر شده برخی از قدیمی‌ترین نمونه‌هایی‌اند که هیچ‌کدام به آرایه‌های فلزی نصب شده به روی در پرداخته‌اند.

با مروری بر پژوهش‌های ذکر شده مشخص می‌شود تاکنون پژوهش مستقلی با مسئله و رویکرد مطرح در این پژوهش انجام نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد با به‌کارگیری رویکرد بازتاب در تحلیل نوع متفاوتی از آثار هنری که به شکلی پویا در بستر جامعه و مرتبط با مردم شکل گرفته و همچنین پرداختن به موضوعی که در پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند بر اهمیت مطالعه آن بیفزاید، به دسته‌بندی و تحلیل محتوایی آرایه‌های فلزی مسجد صاحب‌الامر در بستر تاریخی و اجتماعی زمان نصب این آرایه‌ها بپردازد تا چگونگی انعکاس تحولات اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهد و در پی آن زمینه‌ای برای فهم بهتر جامعه نیز فراهم گردد.

مبانی نظری

خوانش جامعه‌شناسانه اثر هنری، متن را در بستر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. نکته‌ای که می‌بایست همواره به آن توجه داشت موجودیت اثر هنری است که با عوامل متعددی مانند ویژگی‌های یک دوره تاریخی، یک گروه اجتماعی یا یک فرد مرتبط است و از سوی دیگر آثار هنری در جوامعی با مناسبات انسانی و عاطفی متفاوت امکان ظهور می‌یابند. (دو وینیو، ۱۳۷۹: ۷۵) بنابراین برای درک و فهم عمیق هنر در جامعه معین لازم است مطالعه اثر هنری با در نظر داشتن موارد مذکور مورد مطالعه قرار گیرد. در واقع برای درک آفرینش‌های هنری می‌بایست آن‌ها را با توجه به



تصویر ۱. در مسجد صاحب‌الامر تبریز، مأخذ: نگارندگان

بازتاب را برای تحلیل آثار مدنظر قرار داده‌اند.

پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط با آرایه‌های مسجد صاحب‌الامر بسیار محدود و بیشتر در قالب پایان‌نامه است؛ از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی هنر اسلامی، با عنوان «طراحی و ساخت زیورآلات فلزی با الهام از شمایل‌های مذهبی با تأکید بر شمایل‌های مسجد صاحب‌الامر تبریز» نوشته نسیم خواجه نصیر (۱۳۹۳)، با راهنمایی رضا افهمی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز اشاره نمود که به بررسی شمایل‌های این درب با رویکرد شمایل‌شناسی پانوفسکی پرداخته است. وی فرضیه‌های متعددی را در مورد شمایل‌ها که بخشی از آرایه‌های در هستند، مورد بررسی قرار داده است؛ نتایج به دست آمده بیان‌گر آن است که شمایل‌های مسجد صاحب‌الامر تبریز برخلاف نام (چشم عباسی)، شمایل حضرت ابوالفضل نمی‌باشند و کاربرد آن‌ها همانند مفرغ‌های لرستان جنبه‌ی نذر و دخیل به این مکان داشته است. از طرفی به دلیل شباهت شمایل‌ها با فرشته‌های نقش شده در کلیساهای تبریز و این‌که نقره‌کاری یکی از هنرهایی بوده که آرامنه به تبریز آورده‌اند، خواجه نصیر نقش‌مایه‌ی فرشته را الهام‌بخش ساخت شمایل‌ها بیان کرده است.

در رابطه با وقایع تاریخی، مکانی و اهمیت مسجد صاحب‌الامر در کتاب‌های مختلف به طور مختصر مطالبی بیان شده است: نادر میرزا (۱۲۸۳)، شاهزاده و تاریخ‌نگار

هنر عامیانه مردم تبریز و بازتاب‌دهنده مظاهر فکری و رفتاری جامعه خواهیم پرداخت تا با واکاوی مضامین آرایه‌ها بخشی از مسائل اجتماعی در سطوح غیررسمی جامعه آشکار گردد.

آرایه‌های فلزی در مسجد صاحب‌الامر تبریز

مسجد صاحب‌الامر تبریز در کنار میدان چای (مهران‌رود) و در نزدیکی بازار تبریز بنا شده است که از جمله بناهای میدان صاحب‌الامر و مجموعه‌ی حسن پادشاه آق‌قویونلوها بوده است. این مسجد در دوره قاجار پس از زلزله ۱۱۹۴ هـ.ق، توسط جعفرقلی‌خان دنبلی حاکم ولایت آذربایجان به سال ۱۲۰۸ هـ.ق، بازسازی شده و در سال ۱۲۶۴ هـ.ق مدرسه اکبری در صحن آن ساخته شد. هرچند در مورد بنای اولیه مسجد ابهاماتی وجود دارد اما طبق پژوهش‌هایی که اخیراً انجام گرفته، احتمال ساخته شدن این مسجد بر روی یکی از بناهای آق‌قویونلو وجود دارد. اگرچه حتی برخی از محققان اشاره کرده‌اند که بنای این مسجد بر روی بقایای مسجد شاه‌طهماسب ساخته شده اما با توجه به مکانی که کاتب چلبی در کتاب جهان‌نما ارائه می‌دهد، این احتمال بسیار کم است. (عمرانی و امینیان، ۱۳۸۶: ۱۰۲ و ۱۰۳) همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مسجد صاحب‌الامر نصب آرایه‌های فلزی بر روی در این مکان است که اکثراً متعلق به دوره قاجار هستند. در مسجد صاحب‌الامر دربردارنده‌ی بیش از هزار آرایه فلزی است که بخشی از آن‌ها شامل انواع صورتک‌های انسانی در فرم‌های مختلف است که اغلب فاقد نوشتار و در مواردی با عبارات: یا عباس دخیلم، یا حضرت عباس دخیلم و ... هستند. بخشی دیگر از آرایه‌ها، دست (پنجه)، انواع کتیبه (با آیات و عبارات: وان‌یکاد، نصر من الله و فتح قریب، غلام آستان مبارکه حضرت عباس علیه‌السلام و غیره)، انواع طلسم، چشم و نقاب، لوح‌های تزیینی و غیره می‌باشند (تصاویر ۱ تا ۳). اکثر آرایه‌ها از جنس نقره کم‌عیار هستند که با میخ به روی درب نصب گردیده‌اند. آرایه‌های درب مسجد صاحب‌الامر را می‌توان از نظر مضمونی به دو گروه آرایه‌ها با مضامین دینی و مذهبی و آرایه‌ها با تلفیق مضامین عامیانه و مذهبی تقسیم نمود که در ادامه به تحلیل هر گروه در بستر اجتماعی جامعه تبریز در دوره قاجار خواهیم پرداخت.

آرایه‌ها با مضامین دینی و مذهبی

آرایه‌های در با مضامین دینی و مذهبی را که به‌طور صریح به سنت و متون اسلامی و شیعی ارجاع دارند، بیشتر می‌توان در قالب آرایه‌های نوشتاری مشاهده کرد. موضوعات این آرایه‌ها بیشتر مربوط به اسامی ائمه و معصومین به‌صورت توسل به حضرت عباس، امام

تأثیرات کلی که از بستر و واقعیت اجتماعی در زمان خلق می‌گیرند، مورد بررسی قرار داد و تنها زمانی که نمادهای اجتماعی موجود در آثار مورد تحلیل قرار گیرند می‌توان دریافت که آثار تا چه میزان برخاسته از جامعه و در آن ریشه دارند. (همان: ۷۴)

با توجه به توضیحات مذکور می‌توان تحلیل جامعه‌شناسانه هنر را به‌عنوان شیوه‌ای حائز اهمیت برای مطالعه و تفکر در مورد ارتباط میان جامعه و هنر با رویکردهای مختلف دانست. از جمله رویکردهای مهم و از جمله مباحث جامعه‌شناسی هنر، رویکرد بازتاب است که چگونگی بازتاب و نمایش جامعه در آثار هنری را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه الکساندر رویکرد بازتاب استعاره‌ای برای فهم رابطه میان هنر و جامعه است و بر این ایده استوار است که هنر همواره اطلاعاتی درباره جامعه به ما می‌دهد. (الکساندر، ۱۳۹۶: ۵۴ و ۷۲) آن‌گونه که هنر همچون آینه‌ای بخشی از جامعه خویش را انعکاس می‌دهد؛ بنابراین طبق این رویکرد محتوای اثر هنری نشأت گرفته از جامعه است و اثر هنری به‌مثابه ابزاری برای جامعه‌شناسان می‌تواند وجوه مختلفی از ارتباط میان هنر و جامعه را آشکار سازد. این محتوا می‌تواند دربردارنده‌ی ارزش‌ها و اعتقادات و به‌طورکلی ایدئولوژی‌ها یا جهان‌بینی‌های موجود در جامعه باشد. از منظر رویکرد بازتاب ارزش هنر به میزان انعکاس و بازتاب گرایش‌های اجتماعی بستگی دارد؛ پلخائف در این رابطه معتقد است باید به هنر یک دوره تاریخی نگریست تا متوجه شد که آن دوره به لحاظ فکری و ایدئولوژی چه وضعیتی دارد. (سیم، ۱۳۹۹: ۲۸۱) اما باید توجه داشت که بازتاب و بازنمایی جامعه در آثار هنری از لحاظ محتوایی همواره به‌صورت آشکار و واضح نبوده و در مواقعی ظهور پدیده‌های هنری به‌صورت ضمنی و بدون صراحت بیانگر جریان‌ها و اندیشه‌هایی می‌باشند که در جامعه جاری هستند.

در این رویکرد هم نیازمند تمرکز بر شناخت اثر و یا پدیده هنری و از سوی دیگر، معطوف به فهم جامعه، جریان‌ها و فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن است تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. رویکرد بازتاب همچنین یکی از شیوه‌های مهم بررسی هنر بوده که به‌ویژه در تحلیل‌های هنری در زمینه هنر مردم‌پسند یا عامیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. (الکساندر، ۱۳۹۶: ۷۲) وجود آرایه‌های متعدد بر روی در و به عبارتی فراوانی آن‌ها و از طرفی کاربرد معنادار آن در یک دوره و جامعه خاص از جمله مشخصه‌های مهمی است که می‌توان با تحلیل آثار با رویکرد بازتاب به تصویر و انعکاسی نزدیک به واقعیت از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دست‌یافت.

در ادامه به شناخت و دسته‌بندی آرایه‌های فلزی در مسجد صاحب‌الامر به‌عنوان بخشی از فرهنگ و



تصویر ۳. تعدادی از آرایه‌های لنگه‌ی سمت چپ در مسجد صاحب‌الامر، مأخذ: همان



تصویر ۲. تعدادی از آرایه‌های لنگه‌ی سمت راست در مسجد صاحب‌الامر، مأخذ: همان

مذهبی بر زبان ایرانیان جاری است. ممکن نیست بتوان ربع ساعت با یک ایرانی از هر طبقه، درباره هر موضوعی صحبت کنید و عباراتی نظیر ان‌شاءالله، ماشاءالله، خداوند عالم، حضرت پیغمبر(ص) و عبارات دینی و مذهبی مشابه را از او نشنوید. (گوینو، ۱۳۸۵: ۹)

از دیگر مشخصه‌های جامعه‌ی قاجار، رواج بسیار شعائر مذهبی است که از مهم‌ترین آن‌ها روضه‌خوانی، شبیه‌خوانی، تعزیه‌گردانی و عزاداری‌های ماه محرم و شهادت امام حسین و حضرت عباس بود این شعائر آن‌چنان در جامعه ایرانی رسوخ پیدا کرده بود که در هر شهر و روستایی، پیر و جوان، زن و مرد، فقیر و غنی و حتی پادشاه در مراسم محرم حضور داشتند. (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۸۱-۳۸۲) این علاقه و ارادت به امامان و معصومین و به‌ویژه به خاندان امام حسین (ع) در میان مردم تبریز از گذشته تا به امروز کاملاً مشهود است و به نظر می‌رسد با انتخاب تبریز به‌عنوان پایتخت توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۶ هجری قمری و رسمیت دادن مذهب شیعه اثنی عشری، اعتقاد، تعصبات و رواج مراسم‌های دینی در شهرهای آذربایجان و به‌خصوص تبریز و اردبیل به وجود می‌آید و در این راستا رسم و رسوم متعددی در بیان واقعه کربلا و ظلم و ستمی که بر اهل بیت وارد شده بود، پدید آمد. (خامچی ۱۳۸۴: ۴۰ و ۴۱)

در دوره قاجار، مردم تبریز دو ماه محرم و صفر را حرام می‌دانستند و بنابراین در این دو ماه هیچ‌گونه جشنی در شهر برگزار نمی‌شد بلکه برپایی مجالس عزاداری و سوگواری در همه‌جا، آن را به عزا خانه واقعی تبدیل می‌کرد. دسته‌جات سینه‌زن، زنجیرزن، قمه‌زن از چند روز قبل از شروع محرم در کوچه‌ها به حرکت درمی‌آمدند. حتی ولیعهد با برگزاری مجالس باشکوه در تبریز از طبقات مختلف مردم پذیرایی می‌کرد. (همان: ۸۳ و ۸۴)

در بحث مربوطه، جهانگردان زیادی نیز در سفرنامه‌های خود هنگام سفر به تبریز از ویژگی‌های مذهبی مردم این منطقه نوشته‌اند. ویلسون وجود ۲۱۸

حسین (ع)، امام علی(ع)، امام رضا (ع) و پنج‌تن است. همچنین وجود انواع کتیبه‌های قرآنی شامل «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم «وَأَنْ يَكَادِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» و مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» و بخشی از آیه ۱۳ سوره صف «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» و ذکر «یا قاضی الحاجات» مضمون دینی و مذهبی این گروه از آرایه‌ها را به‌خوبی نمایان می‌سازد. آرایه‌های مورد اشاره با فرم‌های متفاوت مانند، دایره، ترنجی، بیضی، دست و غیره به روی در به چشم می‌خورند. (جدول ۱ و ۲)

شمایل دست از جمله فرم‌هایی است با بار معنایی مذهب شیعی که به‌ویژه در آثار فلزکاری ایران در درجه‌ی اول به دست حضرت عباس در واقعه کربلا اشاره دارد. این شمایل همچنین به پنج‌انگشتی که نماد «پنج‌تن آل عبا» است، مربوط می‌شود. از سویی بر روی برخی از دست‌ها نام «یا علی» حک شده که می‌تواند اشاره‌ای به دست حضرت علی به‌عنوان مدرسان در کارها باشد. بخش فراوانی از آرایه‌های مسجد صاحب‌الامر به دست اختصاص دارد که برخی دارای نوشتار و برخی فاقد نوشتارند.

یکی از مشخصه‌های بارز ایرانیان در دوره‌های صفوی و قاجار، ظهور و بروز فرهنگ و آموزه‌های دینی در زبان روزانه مردم ایران، متأثر از قرآن و کتب دینی و فرهنگ شیعی مردم آن زمان است. آن‌ها نام امامان شیعه را همراه باحالت‌های هیجانی و عاطفی بر زبان می‌آوردند که متأثر از همین فرهنگ است. نکته قابل‌توجه در این خصوص به‌ویژه در دوره قاجار، سوگند به حضرت عباس در زبان روزانه مردم ایران شیعی می‌باشد که از مجموعه‌ی عبارات‌های کلامی عمومی بین مردم، بیشتر بوده است. (موسی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۵۷) گوینو در سفرنامه خود می‌نویسد: هر خارجی که وارد ایران می‌شود ایرانیان را مؤمن‌ترین ملل جهان می‌پندارد زیرا همیشه آیاتی از قرآن و کلمات و عباراتی که از احادیث

۱. در سال ۱۳۷۲ در جریان مرمت در مسجد صاحب‌الامر توسط میراث فرهنگی ابتدا شمایل‌ها از روی در جدا شده و پس از مرمت متأسفانه بدون حفظ امانت در اثر هنری به‌صورت منظم و حتی در بعضی از نمونه‌ها شمایل‌ها به‌صورت برعکس به روی در نصب گردیده است و در نهایت به دلیل این‌که پس از نصب مجدد شمایل‌ها، قسمتی از بخش پایینی لنگه‌چپ در خالی مانده بود، برای پر کردن فضا، شمایل‌های جدیدی توسط میراث فرهنگی خریداری و به آن اضافه شده است. به نظر نگارنده انجام چنین کاری و رعایت نکردن امانت در میراث گنشتگان آسیب‌زننده بوده و در صورت عدم اطلاع پژوهشگران، امکان دستیابی به نتایج نادرست در پژوهش رادری خواهد داشت.

جدول ۱. نمونه‌هایی از آرایه‌های درب مسجد صاحب‌الامر تبریز با مضامین مذهبی (اسامی معصومین)، مأخذ: نگارندگان

تصاویر				انواع آرایه‌ها
				آرایه‌ها بانام حضرت عباس، امام حسین، امام علی، امام رضا و پنج‌تن
عبارت: «وقف حضرت عباس علیه‌السلام»	عبارت: «غلام آستانه سیدالشهدا علیه‌السلام»	عبارت: «غلام آستانه حضرت عباس علیه‌السلام»	عبارت: «غلام آستانه مبارکه حضرت عباس علیه‌السلام»	
				
عبارت: «یا حسین مظلوم ادرکنی»	عبارت: «الله محمد علی فاطمه حسن حسین و زنجیر زن جناب سیدالشهدا علیه‌السلام»	عبارت: «حضرت عباس دخیلم»	عبارت: «غلام حضرت عباس»	
				
عبارت: «یا علی»	عبارت: «یا علی ابن موسی الرضا»	عبارت: «الله محمد علی فاطمه حسن حسین»		

است که تبریز حتی شش قرن پیش داشته است. مردم این شهر چنان در مسلمانی تعصب دارند که چنان‌که شنیدم معمولاً وجود جهودان را در تبریز بر نمی‌تابند» (جکسن، ۱۳۸۷: ۶۱)

ژاک دومرگان فرانسوی نیز در بخشی از توضیحاتش از شهر تبریز این‌گونه می‌نویسد: «یکی از صفات خاص شهر تبریز، تعصب مذهبی سکنه آن است که در بعضی اوقات واقعاً دیوانه می‌شوند و خون خود

مسجد و هشت امامزاده را شاهد بارزی برای علاقه و گرایش‌های مذهبی مردم تبریز می‌داند. (خاماچی، ۱۳۸۹: ۱۸۷) همچنین جکسن در این باره می‌نویسد: «می‌گویند در تبریز ۳۱۸ مسجد وجود دارد که هیچ‌یک طرف نسبت با مسجد کبود نیست. در این شهر مزار هشت امامزاده یعنی پیروان حضرت رسول و دامادش علی (ع) باقی است؛ علاوه بر این‌که می‌گویند بعضی اصحاب رسول در کوه سهند مدفون‌اند. این مطالب مؤید لقب پرافتخار قبه الاسلام

جدول ۲. نمونه‌هایی از آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر تبریز با مضامین مذهبی و دینی (آیات قرآنی و انکار)، مأخذ: همان

تصاویر	انواع آرایه‌ها
	
<p>کتیبه‌ها با آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم (وان یکاد...)</p>	
	<p>آرایه‌ها با آیات قرآنی</p>
<p>کتیبه با آیه ۱۳ سوره صف (نصر من الله و فتح قریب)</p>	
	
<p>کتیبه‌ها با آیه (بسم الله الرحمن الرحیم)</p>	
	
<p>کتیبه ترکیبی از آیات (وان یکاد ...) و (نصر من الله ...)</p>	
	<p>کتیبه با ذکر (قاضی الحاجات)</p>
<p>کتیبه با ذکر (یا قاضی الحاجات)</p>	



تصویر ۵. سکه‌ای با نقش خورشید خانم متعلق به دوره قاجار، تبریز،
مأخذ: همان، ۲۳۵



تصویر ۴. سکه‌هایی با نقش خورشید خانم متعلق به دوره قاجار، تبریز،
مأخذ: ترابی طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۳۷ و ۲۳۸

میان صورتک‌ها و دست بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. صورتک‌های انسانی نصب‌شده به روی در که نام عامیانه آن نزد مردم «چشم عباسی» است، بسیار متنوع‌اند. این صورتک‌ها در فرم‌های دایره، لوزی، بیضی و اشک مانند و اکثراً فاقد نوشتار می‌باشند. همچنین برخی از صورتک‌ها فاقد تزئینات و نمونه‌هایی همراه با نمایش موی سر، تزئینات اسلیمی در اطراف سر و یا با نقوش دایره‌ای برجسته اطراف فرم کلی صورت نمایش داده‌شده است. گروهی دیگر از آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر در پیوند با مضامین عامیانه، طلسم‌ها می‌باشند که تنها چند نمونه بر روی در وجود دارد. یکی از لوح‌های طلسمی بر روی در که با تکرار حرف میم حک شده، از انواع طلسمات حروفیه است. فرقه حروفیه برای هر یک از حروف نیرویی شفادهنده قائل بوده‌اند و این نیرو را در تکرار حروف می‌دانستند. به عقیده‌ی این فرقه اگر حروف را مطابق عدد معینی و با دقت در مکانی خلوت بیان گردد، خواسته موردنظر اجابت می‌گردد. به‌طور مثال با تکرار ۴۰ مرتبه حرف «م»، حافظه و فهم زیاد می‌گردد و یا با نوشتن ۱۵۰ بار حرف «م» رسیدن به مطلوب امکان می‌یابد. (دهدار، بی‌تا: ۶۷). از دیگر آرایه‌های موجود بر روی درب مسجد صاحب‌الامر، نقاب و چشم است که تعداد آن‌ها نسبت به صورتک‌ها و دست، بسیار کم است. فرم کلی نقاب و چشم‌ها به‌صورت بادامی‌شکل و به‌هم‌پیوسته هستند که در آرایه چشم مردمک کاملاً واضح نشان داده‌شده است. جدول ۳ انواعی از آرایه‌های مذکور را نشان می‌دهد و در ادامه با توجه به اینکه بیشترین تعداد آرایه‌ها بر روی در به صورتک‌ها اختصاص دارد به تحلیل مضمونی آن‌ها خواهیم پرداخت.






صورتک‌های نصب‌شده به روی در مسجد صاحب‌الامر نزد مردم تبریز به نام چشم عباسی و به حضرت عباس اشاره دارند و ناشی از ارادت ویژه مردم تبریز به آن امام است که به‌عنوان نذر و به دلیل اعتقاد و اهمیت فراوان مردم به این مکان جهت توسل و برآورده شدن حاجات مورد استقاده قرار می‌گرفتند.

را جاری می‌سازند این حمله جنون مذهبی ادواری است و هر سال در ماه محرم و در روز عاشورا، روز کشته شدن امام حسین (ع) عود می‌کند» (دومرگان، ۱۳۳۸: ۳۸۹)؛ بنابراین بخشی از فرهنگ مردم و جامعه ایران در دوره قاجار و به‌ویژه مردم تبریز، شامل اعتقادات عمیق مذهبی و متعصبانه است که به‌خصوص نسبت به واقعه عاشورا و برگزاری مراسم در ماه محرم نمود بیشتری می‌یابد. همچنین از اعتقادات ریشه‌دار مردم تبریز در ماه محرم، نیت برای نذرهای متنوع است که اگر خواسته و آرزوی آن‌ها برآورده شد، نذر خود را ادا نمایند. در این میان ثروتمندان و سرمایه‌داران اطعام و احسان به مردم عزادار را نذر می‌کنند. (خامچی، ۱۳۸۴: ۵۱) ارتباط بین چنین فرهنگ و اندیشه‌ای در میان مردم تبریز با مکان مدنظر و نمود آرایه‌ها با مضامین دینی و مذهبی در این مقاله را به‌ویژه در مورد توجه مردم تبریز به مسجد صاحب‌الامر در کتاب تاریخ امکنه شریفه به قلم مرحوم ثقه الاسلام می‌توان دریافت نمود: «بالجمله مقام صاحب‌الامر و به عبارت صحیحه مسجد صاحب آباد اکنون از مواضع متبرکه‌ی شهر تبریز و محل اعتناء و اعتماد عوام و خواص است، چنانچه در لیالی جمعه و سایر لیالی ایام متبرکه تردد و ازدحام می‌شود و نذورات آرند و در ایام محرم و صفر که بهار ایام عزاداری است کافه دستجات سینه‌زنان و خونین کفنان در صحن آن اجتماع نمایند و نوحه خوانند و در روز عاشورا ازدحامی فوق‌العاده شود و تمامی دستجات تا وقت ظهر در صحن مسجد با المناوبه حاضر شوند و اهالی شهر از وضع و شریف در صحن حجرات و پشت‌بام‌ها جمع شوند و در نوحه و گریه با سینه‌زنان مشارکت نمایند». (ثقه الاسلام، ۱۳۳۲: ۲۸)

آرایه‌ها با تلفیقی از مضامین عامیانه و مذهبی

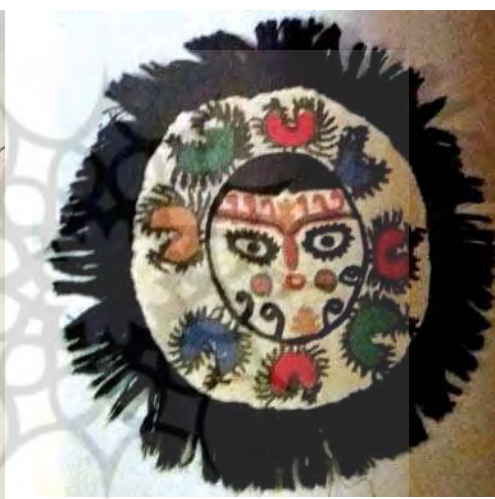
بیشترین حجم الحاقات فلزی در مسجد صاحب‌الامر آرایه‌های تصویری فاقد نوشتار است که شامل صورتک، دست، چشم، نقاب و لوح‌های تزئینی می‌باشد و در این

جدول ۳. نمونه‌هایی از آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر تبریز با تلفیقی از مضامین مذهبی و عامیانه، مأخذ: همان

تصاویر	انواع آرایه‌ها
	<p>صورتک‌های فاقد نوشتار</p>
	<p>صورتک‌های دارای نوشتار</p>
<p>عبارات: «یا عباس دخیلم»، «یا حضرت عباس دخیلم» و «یا حضرت عباس»</p>	
	<p>انواع طلسم‌ها</p>
<p>دست با اعداد (طلسم)، درون قایب لوزی شکل</p>	<p>طلسم با اعداد و دو پرنده محافظ آن.</p>
<p>طلسم با تکرار حرف «م»</p>	
<p>انواع نقاب و چشم</p> 	



تصویر ۶. سکه‌ای با نقش خورشید خانم متعلق به دوره ایلخانی، تبریز، مأخذ: همان: ۲۳



تصویر ۷. طلسم‌های بختیاری، مأخذ: گلاک، ۱۳۵۵: ۲۳۷

رواج شعائر دینی به‌ویژه وقایع مربوط به حادثه‌ی کربلا روبه‌رو هستیم که در تبریز این ارادت و تعصب بیش‌ازپیش متجلی می‌شود؛ بنابراین رواج صورتک‌هایی بانام «چشم عباسی» که درواقع از منظر برخی از مردم تبریز در دوره قاجار، تصویری از شمایل حضرت عباس است را می‌توان دارای مضمونی مذهبی و به دلیل تقدس حضرت عباس در میان مردم دوره قاجار و متوسل شدن به آن امام بزرگوار برای رفع گرفتاری در نظر داشت. صورتک‌هایی با عبارات حکشده مانند «یا حسین مظلوم» و «یا عباس دخیلم» هرچند هیچ مشابهتی با مشخصه‌های چهره‌های شخصیت‌های دینی (محاسن، پوشش سر و غیره) ندارند اما مردم در این دوره به دلیل عدم دانش و آگاهی و باورهای خرافی که در سطح جامعه وجود داشت به‌راحتی می‌توانستند موردپذیرش قرار گیرند. رواج شمایل و تصویر امام علی یکی از اتفاقاتی

جعفر فرشپاف یکی از سازندگان این صورتک‌ها می‌گوید: «مردم شمایل‌ها را سفارش داده و به مدت ۴۰ روز و یا تا زمان برآورده شدن حاجت نزد خود نگاه می‌داشتند و پس‌ازآن که خواسته‌شان احاجت می‌شد آن را به حرم حضرت ابوالفضل و یا دیگر اماکن مقدس مانند مسجد صاحب‌الامر اهدا می‌کردند که بیشتر به دلیل عدم امکان سفر به کربلا، در مکان‌های مقدس شهر مثل مسجد صاحب‌الامر تقدیم می‌کردند. (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۵۵) قرار گرفتن حلقه‌ای برای آویختن زنجیر و یا اتصال به فرد در اغلب آرایه‌های نصب‌شده به روی در به‌ویژه دست و صورتک‌ها تأییدکننده همین موضوع است. اگرچه صورتک‌ها بخشی از نذورات مردم در جهت برآورده شدن حاجاتشان بوده است اما برای آن‌ها دو نوع مضمون را می‌توان مطرح نمود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در دوره‌ی قاجار با گسترش اعتقادات شیعی،



۸. بازوبند طلسم نقره مربوط به اوایل قرن نوزدهم، مأخذ: همان: ۱۳۹

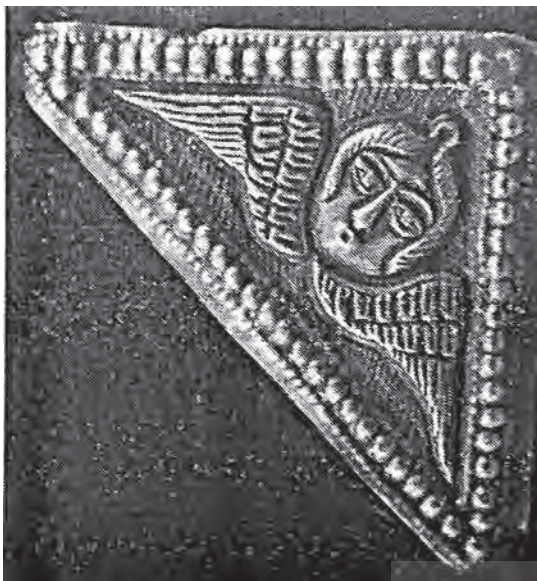


تصویر ۹: بازوبند طلسم نقره مربوط به دوره قاجار. مأخذ: www.qajarwomen.org

استفاده از فلز توسط طلسم گران همواره کاربرد داشته است. دکان و خانه‌ی طلسم گران ورمالان اغلب در کنار سقاخانه‌ها و امامزاده‌ها بوده که بسیاری از مشتریان آن‌ها را زوار تشکیل می‌دادند. از طرفی صنعتگرانی چون انگشترسازان، حکاکان و قفل‌سازان سعی می‌کردند دکه‌هایی در چنین محله‌هایی داشته باشند تا از دریافت سفارشات مردم توسط دعانویسان و رمالان بتواند درآمد کسب کنند. (تناولی، ۱۳۸۷: ۶۲) وجود شمایل‌هایی بسیار شبیه به صورتک‌های نصب‌شده بر روی در در برخی از اشیاء طلسمی و آثار هنری کشورمان در دوره‌های مختلف وجود دارد؛ بنابراین از نگاهی دیگر می‌توان برخی از صورتک‌ها را با مضمون غیردینی و به‌عنوان طلسم و برای رفع چشم‌زخم نیز در جامعه آن دوره در نظر گرفت. استفاده از نقش خورشید خانم که شباهت فراوانی با این صورتک‌ها دارد در آثار هنری کشورمان دارای پیشینه تاریخی طولانی است. این نقش را بر روی سکه‌هایی متعلق به تبریز در دوره‌های مختلف از جمله، ایلخانی (ارغون‌خان) و قاجار (فتحعلی‌شاه) نیز می‌توان مشاهده نمود که نشان‌دهنده پیشینه‌ی طولانی استفاده از این نقش در تبریز است. (تصاویر ۴، ۵ و ۶) از دیگر کاربردهای این نقشمایه ترسیم آن به روی طلسم‌های مدور و چهارگوش است. این طلسم‌ها که در اغلب موارد، به شکل قلاب‌دوزی

است که در دوره قاجار و در دستگاه حکومتی رخ می‌دهد. ناصرالدین‌شاه اعلام می‌کند که تصویری اصیل از شمایل حضرت علی (ع) دارد که در زمان حیات حضرت علی (ع) کشیده شده است. وی به صنیع‌الملک دستور می‌دهد تمثالی شبیه به آن را رسم کند و طی مراسمی آن مدال به گردن شاه آویخته می‌شود. مظفرالدین‌شاه نیز سال‌ها به همین شیوه از نشان‌هایی با چهره‌ی حضرت علی (ع) استفاده می‌کرد؛ اما کاربرد تصاویر توسط مردم در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم رایج شد. (محمدزاده، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۴) هرچند این اتفاق در پی مصلحت‌های سیاسی رخ می‌دهد اما رواج چنین اعتقادی در میان مردم عام نیز دور از نظر نمی‌نماید.

از سویی گروهی دیگر از افراد محلی اذعان داشتند که از صورتک‌های چشم عباسی جهت طلسم و رفع چشم‌زخم استفاده می‌شده است. دهخدا چشم‌زخم را این‌گونه تعریف می‌کند: «آسیب و زبانی است که از نگاه پرمحبت و تحسین یا از نظر آمیخته به حسد و حیرت شور چشمان به افراد یا اشیاء رسد». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۱۴۶) استفاده از طلسم‌های مختلف برای استمداد حاجت از امامزاده‌ها به‌صورت نذر در بین مردم رواج داشته است. این طلسم‌ها در اندازه‌های کوچک بودند تا زائر بتواند آن‌ها را داخل ضریح بیندازد. (هنرفر، ۱۳۵۵: ۱۴۲)



تصویر ۱۰. فرشته نگهبان بر روی انجیل سرکیس مقدس، مأخذ:
خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۵۰

بوده بر روی دیوار خانه‌ها در عروسی‌ها، یا برای تزئین اتاق بچه‌ها و یا دفع چشم‌زخم استفاده می‌شده است. (علاء فیروز، ۱۳۵۵: ۲۳۵) طلسم‌های بختیاری به شکل خورشید خانم باحالت‌های چهره‌ی متفاوت نمونه‌ای از کاربرد این نقشمایه برای رفع چشم‌زخم است. (تصویر ۷)

همچنین نمونه‌ای از قدیمی‌ترین طلسم‌ها از جنس فلز متعلق به اوایل سده‌ی نوزدهم و دوره قاجار است. (گلاک، ۱۳۵۵: ۱۴۳) بازوبندی به صورت مدور با حاشیه‌ای که آیه ۱۴ سوره آل عمران بر آن نوشته شده است؛ درون دایره، نقش دو انسان بال‌دار حک شده که مابین آن‌ها کتیبه‌ای از اعداد طلسمی قرار دارد و بالای آن نقش خورشید بال‌دار (خورشید خانم) نقش شده است. (تصویر ۸) بازوبند طلسمی مشابه دیگری با دعای «وان یکاد...» بر حاشیه و کتیبه‌ای از اعداد طلسمی در مرکز و نقش زن و مردی نشسته در دو طرف کتیبه و خورشید بال‌دار بر بالای آن، نمونه دیگری از طلسم‌های دوره قاجار است. (تصویر ۹) نقش خورشید بال‌دار این طلسم‌ها بسیار شبیه به فرشتگان ترسیم‌شده در اشیاء و بناهای کلیساهای تبریز است. (تصاویر ۱۰ و ۱۱)

به نظر می‌رسد میان صورتک‌های در مسجد صاحب‌الامر با نقش فرشتگان در کلیساهای تبریز و طلسمی متعلق به همان دوره که با نقشی کاملاً مشابه با تصویر فرشتگان بر بالای طلسم حک شده پیوندی وجود دارد که می‌تواند نشان‌دهنده رواج برخی عقاید خرافی و غیردینی توسط گروهی از رمالان و دعانویسان، جهت کسب منفعت در آن بازه‌ی زمانی در میان مردم باشد که در برخی موارد بانام حضرت عباس و امام حسین (ع) با وجهه‌ی دینی و در مواردی با تصویری کاملاً غیردینی و به شکل طلسم ارائه شده که با در نظر داشتن شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم در آن زمان مردم قابلیت پذیرش هر دو نگرش را داشته‌اند؛ اما آنچه بارز است بیشترین دلیل کاربرد این آرایه‌ها به‌جز در مواردی که آرایه‌ها با صراحت ارجاع به متون و عبارات مذهبی و یا عبارات طلسمی دارند در بقیه موارد می‌توان آن‌ها را بیانگر نوعی تلفیق مضامین دینی و عامیانه در نظر داشت.

نکته‌ی قابل‌توجه در علت بروز چنین آرایه‌هایی را می‌توان به‌خوبی در وضعیت جامعه در دوره قاجار جست‌وجو کرد. در این دوره اکثریت جامعه‌ی ایرانی بهره‌ای از سواد نداشتند؛ و به‌جز افرادی که به علوم جدید آشنا بودند بقیه باسوادان از همان آغاز ورود به مکتب، قرآن و شرعیات را فرامی‌گرفتند. درواقع اساس دنیای اکثریت جامعه ایران از اعتقادات عمومی تشکیل می‌شد. (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۸۱-۳۸۰) خرافات و اوهام رنگ مذهب به خود گرفته و در میان مردم به‌شدت رسوخ پیدا کرده بود به‌طوری‌که اگر کسی با این‌گونه عقاید مخالفت می‌کرد، مورد لعن قرار می‌گرفت. حتی بسیاری

از ملاًها به تبلیغ و ترویج عقاید خرافی در بین مردم تلاش می‌کردند تا از این طریق سلطه‌ی معنوی خود را در جامعه حفظ کنند. دعا نوشتن روی تخم‌مرغ و آویختن طلسم حاوی «وان یکاد» به گردن کودکان، نمونه‌هایی از اعتقادات آن دوره بود. (همان)

در دوره قاجار به‌ویژه دوره ناصرالدین‌شاه مذهب بیشتر آمیخته با خرافات بود و این‌گونه معتقدات بر تمام‌کارهای مملکت تأثیر گذاشته بود. در چنین فضایی افرادی چند، مانند امیرکبیر و بعدها روشنفکرانی مانند طالبوف، سید جمال‌الدین اسدآبادی و آخوندزاده به‌شدت به انتقاد و مخالفت با این افکار خرافی پرداختند.

در نوشته‌های سیاح فرانسوی عصر صفوی، تاورنیه، مطالبی در رابطه با عادات و فرهنگ ایرانیان عصر صفوی وجود دارد که گویا تا دوره قاجار پایدار بوده است. وی در سفرنامه خود می‌نویسد: ایرانیان به‌نوعی غیب‌گویی به نام رمل اعتقاد دارند و رمالان برای این شغل دکه‌هایی دارند که از طریق پیشگویی پول به دست می‌آورند. فال نیز در بین ایرانیان رواج دارد تا از طریق آن از خوشبختی و بدبختی خود آگاه شوند. معبران نیز با گشودن کتاب بزرگی پر از اشکال عجیب‌وغریب به تعبیر خواب افراد می‌پردازند. تاورنیه که از این افراد به‌عنوان شیاد نام برده مکان آنان را بیشتر در اطراف قصر سلطنتی بیان کرده که بساط پهن می‌کنند. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۲۸۵ و ۲۸۶) وامبری سیاحی است که در دوره قاجار بالباس درویشی به شهرهای خوی و تبریز، زنجان و قزوین می‌رود. وی در بخشی از سفرنامه خود در میانه راه تبریز به زنجان که



تصویر ۱۱. فرشته بر روی دیوار کلیسای معبد سنت استپانوس، مأخذ: نگارندگان

و آئینی در جامعه ایران و البته میان مردم تبریز می‌شود تا حدود زیادی با افکار و اندیشه‌های عامیانه و خرافی در ارتباط بوده است و در موارد بسیاری ما شاهد التقاط این دو نوع تفکر هستیم که با خوانش آرایه‌ها، بازتاب جامعه در هنر را شاهد بودیم که این امر با توجه به شرایط گوناگون اجتماعی در سطوح مختلف مشاهده شود.

از دیگر موارد جالب توجه که می‌تواند به خوبی فضای فکری و شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه تبریز در دوره قاجار را نشان دهد، نمونه‌هایی از مشاغل مردم تبریز در دوره قاجار است که «نظر گوریان» در کتاب «ارامنه‌ی تبریز» به سال ۱۸۶۹ میلادی (۱۲۸۶ ه. ق) بیان کرده است. وی از جمله پیشه‌های متفرقه در تبریز را دعانویس ۵۰ نفر، جادوگر و فال‌بین ۵۰ نفر، رمال ۲۰ نفر، منجم ۶ نفر، زخم بند (جراح) ۴ نفر و درویش ۱۵۰ نفر ذکر کرده است. (خاماچی، ۱۳۸۹: ۱۲۱ و ۱۲۲) بر اساس اسناد تاریخی در دو طرف حیاطی که بین مسجد صاحب‌الامر و مدرسه اکبریه قرار داشته، حجره‌های فال‌گیران نیز قرار داشته که با صدای بلند عابریان را برای درمان مشکل به طرف خود می‌خواندند. (نجفی و گلچین، ۱۳۹۳: ۲۰۹) وجود چنین پیشه‌هایی می‌تواند روحیات و کیفیات زندگی و سطوح فکری و اجتماعی مردم و جامعه را تا حدی بازگو کند و این‌که باورهای عامیانه تا چه میزان میان مردم نمود داشته است. مقدس بودن این مکان باعث شد آرایه‌هایی به‌عنوان نذورات به این مکان پیشکش شوند و بر روی در نمود یابند که بازتابی از جامعه آن زمان هستند و این مکان را از بعد هنری عامیانه نیز با اهمیت نشان دهند و هنری را در پیوند با جامعه که به‌نوعی خلاق و عرضه‌کننده و بازتابنده جهان‌بینی‌های مردم معاصرش به نمایش گذارند.

چندساعتی با زنجان بیشتر فاصله نداشت از مردی سخن می‌گوید که خود را حکیم نامیده و از ملاقات بیمارش بازمی‌گشته و به همراه نوکرش و قاطری که حق‌الزحمه مداوای حکیم را به‌صورت میوه خشک و غله و غیره با خود داشته است. وی از تأثیر تعویذ و طلسم‌های خود و اینکه چگونه توانسته شیاطین را از بیمارانش براند و زبان لال‌ها را بگشاید و کوران را بینا و کران را شنوا کند، صحبت می‌کند. (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۰)

کارلاسرنای نیز در خصوص درویشان می‌نویسد که مانند پزشکان برای خود مشتری و مرید داشتند و اثر معنوی که درویش‌ها به روحیه اشخاص می‌گذاشته‌اند به قدری قوی بوده که گاه با یک دعای ساده یا چند حرکت عجیب مریضی را شفا می‌دادند. (سرنای، ۱۳۶۲: ۱۲۹)

در بخشی از سفرنامه ادوارد براون نیز می‌توان به وسعت فرهنگ منبعث از افکار و باورهای عامیانه و خرافی حاکم بر جامعه پی برد. وی در مسیر تهران به تبریز در کاروانسرای خوی از درویشی کرمانی به نام میر جلال‌الدین صحبت می‌کند که آن‌ها را به دیدار محل گردهمایی درویش که متشکل از افراد فارس، کرد و سیاه‌پوست بودند، می‌برد. وی همچنین بیان می‌کند، در کاروانسرای مردی به نام میرزا تقی که طلبه‌ی علوم خفیه و یک رمال و از اهالی کرمانشاه بوده، حضور داشته که با چهار مکعب برنجی طاس مانند و چرخاندن و نحوه قرار گرفتن آن‌ها به پیشگویی و افشای اسرار آینده می‌پرداخته است. وی به پیشگویی احوال آینده براون نیز پرداخته و بیان می‌کند با طلسم و دعایی که برایش خواهد نوشت، براون از حوادث در طول سفر جان سالم به در خواهد برد. (براون، ۱۳۸۶: ۸۲-۷۹) آنچه بیان شد تا حدی می‌تواند نشان‌گر این واقعیت باشد که نگرش و تفکر در دوره‌ی قاجار علاوه بر آنکه شامل اعتقادات شدید مذهبی

نتیجه

بر روی در مسجد صاحب‌الامر تبریز که یکی از مکان‌های مهم و مقدس برای مردم به‌ویژه در دوره قاجار محسوب می‌شده است، از نظر مضمون با دو گروه عمده از آرایه‌ها مواجه هستیم؛ آرایه‌هایی با مضامینی متأثر از بطن دین به‌ویژه فرهنگ شیعی و آرایه‌هایی با تلفیق مضامین شیعی و عناصر غیردینی تحت تأثیر علوم غریبه که در برخی موارد با وجهه‌ای به‌ظاهر دینی و در اشکال متفاوت نمود می‌یابند. در واقع با پیدایش و یا هرگونه تغییر در باورها و نگرش‌ها در جامعه است که تغییر در فرهنگ، امکان ظهور فرم‌ها و محتواهای جدید در آثار هنری فراهم می‌گردد. وجود صورتک‌هایی بانام چشم عباسی که در برخی موارد عبارات «یا عباس دخیلم» و «یا حسین مظلوم دخیلم» بر روی آن‌ها نقش شده که به نظر می‌رسد از نگاه گروهی از مردم تبریز در دوره قاجار، کارکرد دینی داشته را می‌توان نمونه بارزی از این تغییر دانست. در این دوره با شرایط فرهنگی و اجتماعی مواجه هستیم که تمام جامعه را، اعم از شاهان و درباریان و مردم عام در برمی‌گیرد و مهم‌ترین آن‌ها برداشت سطحی و متظاهرانه از تشیع و مناسک و آیین‌هایی متأثر از دین است و مورد دیگر گسترش اعتقادات و باورهای عامیانه با منشأ غیردینی که در بسیاری از موارد به‌صورت تلفیق با دین توسط رمالان، فالگیران و دراویش در این دوره بسیار رواج می‌یابد. تبریز نیز به‌عنوان یکی از شهرهای مهم این دوره، از این قاعده مستثنی نیست. مردم این شهر، علاوه برداشتن تعصبات مذهبی و ارادت خاص به امامان معصوم به‌ویژه «حضرت عباس» و «امام حسین» تحت تأثیر باورهای عامیانه و خرافی حاکم بر جامعه‌ی دوره قاجار نیز قرار داشتند، به‌طوری‌که تعداد بی‌شماری از آرایه‌های در مسجد صاحب‌الامر عقاید معطوف به هر دو نگرش را بازتاب می‌دهند. نکته جالب‌توجه در مورد آرایه‌های در، نصب شدن آن‌ها توسط مردم که بخشی از نظام اجتماعی‌اند، می‌باشد؛ نقش آن‌ها در این پدیده هنری را ضمن این‌که می‌توان به‌عنوان مخاطبان و مصرف‌کنندگان اثر هنری در نظر داشت، از سوی دیگر می‌توان به‌عنوان خالقان یک پدیده هنری (مجموعه آرایه‌های در) دانست که در فرآیند آفرینش معنا در بستر فرهنگی و اجتماعی با مشارکت و کنشگری در این جریان، جامعه خویش را بازتاب می‌دهند. همچنین تعداد بی‌شمار و متعدد آرایه‌ها و نصب توسط مردم، علاوه بر اینکه نشانگر عامیانه و مردم‌پسند بودن این جریان برخاسته از بستر اجتماعی است، به‌خوبی می‌تواند داللتگر این موضوع باشد که این پدیده هنری پژواکی از صدای جامعه است که با ساختار اجتماعی و فرهنگی خاص جامعه تبریز در آن مقطع زمانی پیوند دارد.

منابع و مأخذ

الکساندر، ویکتوریا، (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی هنرها (شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند هنر). مترجم: اعظم راودراد. چاپ سوم، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

براون، ادوارد. (۱۳۸۶). یک سال در میان ایرانیان. ترجمه: مانی صالحی علامه. چاپ سوم. تهران: نشر اختران.

تاورنیه، ژان باستیت. (۱۳۸۹). سفرنامه‌ی تاورنیه. ترجمه: حمید ارباب شیرانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات نیلوفر.

ترابی طباطبایی، جمال. (۱۳۸۴). تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمایم. تبریز: مؤلف.

تناولی، پرویز. (۱۳۸۵). طلسم گرافیک سنتی ایران. تهران: بنگاه.

ثقه‌الاسلام، میرزاعلی آقا. (۱۳۳۲). تاریخ امکنه شریفه و رجال برجسته. چاپ اول. چاپخانه رضائی.



جکسن، آبراهام و النتاین ویلیامز. (۱۳۸۷). سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال). مترجمان: منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

خاماچی، بهروز. (۱۳۸۴). اوراق پراکنده از تاریخ تبریز. چاپ دوم. تبریز: انتشارات مهد آزادی.

خاماچی، بهروز. (۱۳۸۹). تبریز از نگاه جهانگردان. چاپ اول. تبریز: انتشارات یاران.

خواجه نصیری، نسیم. ۱۳۹۳. طراحی و ساخت زیورآلات فلزی با الهام از شمایل‌های مذهبی با تأکید بر شمایل‌ها مسجد صاحب‌الامر تبریز. پایاننامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

دو وینیو، ژان. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی هنر. مترجم: مهدی سبحانی. چاپ هشتم. تهران: نشر مرکز.

دمورگان، ژاک. (۱۳۳۸). هیئت علمی فرانسه در ایران، ترجمه: کاظم ودیعی. جلد دوم. تبریز: نشر چهره.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). فرهنگ لغت، جلد ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهدار، محمود. بی تا. مجموعه طلسم اسکندر ذوالقرنین و زبده الالواح و کاشف الصنایع. بی جا.

سرنا، مادام کارالا. (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلاسرنا. ترجمه: علی اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوّار، چاپ نقش جهان.

سیم، استوارت. (۱۳۹۹). مارکسیسم و زیبایی‌شناسی، از کتاب: مبانی جامعه‌شناسی هنر، ترجمه: علی رامین، چاپ نهم، تهران: نشر نی.

شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار. چاپ سوم. تهران: انتشارات زریاب.

علاء، ایران. (۱۳۵۵). سوزن‌دوزی، از کتاب: جی گلاک و سومی هیراموتو گلاک، سیری در صنایع دستی ایران، تهران: بانک ملی ایران.

عمرانی، بهروز و امینیان، محمد. (۱۳۸۶). گمانه‌زنی در میدان صاحب آباد و مجموعه حسن پادشاه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. (۵۰). ۱۱۸-۹۱

فوریه، ژوانس. (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران. ترجمه: عباس اقبال. چاپ اول. تهران: نشر علم.

گلاک، جی و سومی هیراموتو. (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران، ترجمه: یحیی ذکاء، رضا علوی. تهران: بانک ملی ایران.

گویینو، کنت دو. (۱۳۸۵). سه سال در ایران. ترجمه و اقتباس: ذبیح‌الله منصوری. چاپ اول. تهران: نگارستان کتاب.

محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۶). نشانه‌های مصور و تقدیس قدرت در عهد قاجار. گلستان هنر. (۸). ۶۸-۶۱.

موسی‌پور، ابراهیم. (۱۳۸۹). فرهنگ دینی در زبان و نشانه‌شناسی روزانه مردم ایران در دوران صفوی قاجاری. مجله تاریخ و تمدن اسلامی. شماره ۱۱. صص ۱۳۱-۱۶۶.

نجفی، اصغر و گلچین، اشرف. (۱۳۹۳). بازار تبریز در دوره قاجار. چاپ اول. تبریز: انتشارات آلتین.

هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۵۵). قلم‌زنی، از کتاب: جی گلاک و سومی هیراموتو گلاک، سیری در صنایع دستی ایران، تهران: بانک ملی ایران.

وامبری، آرمینیوس. (۱۳۷۲). زندگی و سفرهای وامبری. ترجمه: محمدحسین آریا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

www.qajarwomen.org

Sociological Reading of Metal Ornaments on the Door of Saheb Al-Amr Mosque in Tabriz

Mehdi Mohammadzadeh (Corresponding Author), Professor, Faculty of Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Reihaneh Rashidi, PhD Student of Islamic Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 2021/08/23 Accepted: 2021/12/07



Examples of Ornaments on the Door of Saheb Al-Amr Mosque of Tabriz in Combination with Folk and Religious Themes, Source: Author.

Saheb Al-Amr Mosque is one of the historical-religious buildings of Tabriz, which is of great importance and sanctity among the people of this city from the past to the present. One of the features that make this place stand out is the existence of metal inscriptive ornaments such as Quranic verses and prayers, also visual metal ornaments, including hand or human icons, and other objects that are installed on the entrance door of this historical monument. Based on observations, most of the ornaments, especially human icons were installed on the door by different strata of the people in the Qajar era. Therefore, this place can be considered of significant artistic importance, regardless of its historical and religious values. Moreover, one of the necessities of conducting this research is neglect of these arrays as works of folk art, also the role they can play in reflecting the culture and thought of the people over some time is valuable. Metal ornaments installed on the door can reflect the social, cultural, and economic status of the society of that era. Given that in Iran during the Qajar period, most people were influenced by and adhered to national prejudices and religious slogans.

On the other hand, superstitious thoughts and ideas have been prevalent among the people and even the Qajar courtiers, and considering the important place of this construction in the social life of the people of this era, the present research intends to study and analyze the ornaments installed on this door as part of common visual culture in the society of Tabriz in the Qajar era based on the reflection approach in the sociology of art and with emphasis on components such as social and cultural structure. The Abundance of various arrays on the door, and on the other hand, their meaningful application in a particular period and society, indicate that one of the important features of the study of this phenomenon is that it makes it possible to analyze ornaments with a reflective approach to the image and a close reflection of the social and cultural conditions of society.



approach to the image and a close reflection of the social and cultural conditions of society. Therefore, the main **purpose** of this study is to achieve the currents and ideas that have led to the formation and emergence of such ornaments. In this regard, **research questions** are raised in this way: What currents and ideas are reflected in the arrays of the door of Sahib Al-Amr Mosque in Tabriz? What do the ornaments contain?

The present research is historical and descriptive-analytical in terms of nature and **method** and has been done with reflection approach and content analysis method and using historical data through collection of library and field documents. The **results** of this study showed that on the door of Saheb Al-Amr Mosque in Tabriz, we encounter two major groups of ornaments from a content perspective. First group is ornaments with themes influenced by religion, especially Shiite culture, which explicitly refer to Islamic and Shiite traditions and texts, and most of them can be seen in the form of written ornaments. The second group includes ornaments with a combination of Shiite themes and non-religious signs under the influence of superstitious sciences, which in many cases appear with a seemingly religious aspect and in different forms. In fact, with the emergence or strengthening of new beliefs and mentalities in society and changes in culture, the possibility of the emergence of new forms and content in works of art is provided.

Existence of icons with the name of Cheshm Abbasi, on which in some cases the words «Ya Abbas Dakhilam» and «Ya Hossein Mazlum Dakhilam» are engraved, seems to have had a religious function from the point of view of a group of people in Tabriz during the Qajar period, and is considered as a clear example of this change. In this period, we are faced with cultural and social conditions that affect the whole society, including the kings and most of the people, the most important of which are a superficial reading of religion and more attention to the appearance of religious rituals and ceremonies, and another case is the spread of popular beliefs and beliefs of non-religious origin, which in many cases are practiced in combination with religion by fortune tellers, and dervishes. Tabriz, as the most influential city of this period, is no exception to this principle. The people of this city, in addition to having religious prejudices and special devotion to the infallible Imams, especially «Imam Hussein», and «Hazrat Abbas» were also influenced by the popular and superstitious beliefs of the Qajar-period society, to the extent that countless arrays on the doors of the Sahib Al-Amr Mosque reflect ideas directed at both views.

Keywords: The Door of Saheb-Al-Amr Mosque, Metal Ornaments, Religious Concepts, Folk Beliefs, Qajar Era, Tabriz

References: Alexander, Victoria (2017). *Sociology of the arts: exploring fine and popular forms*, translated by

Azam Ravadrad, Third Edition, Tehran: Matn Publication.

Ala'a Firooz, Iran. 1977. *Needlework*, in Jay & Sumi Glock, *Survey of Iranian Handicraft*, Tehran: Bank- melli Iran.

Brawne, Edward Granville. 2007. *A year amongst the Persian: impressions as to the life, character*, translated by Mani Salehi Allameh, Third edition, Tehran: Akhtaran Publications.

Demorgan, Jackson. 1959. *French Faculty in Iran*, translated by Kazem Vadieei, Volume II, Tabriz: Chehr Publications.

Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Dictionary*, Volume 6, Tehran: University of Tehran Publications.

Duvignaud, Jean. 2016. *The Sociology of Art*, translated by Mehdi Sahabi, Eighth edition, Tehran: Markaz Publications.

Feurrier, Joannes. 2006. *Three years in the court of Iran*, translated by Abbas Iqbal. First Edition.



- Tehran: Elm Publications.
- Glock, Jay & Hiramoto, S. 1976. A Look at Iranian Handicrafts, translated by Lotf- allah Hormozi. Tehran: Bank- melli Iran.
- Gobineau, Joseph Arthur. 2006. Three years in Iran, translated by Zabihallah Mansouri. First Edition. Tehran: Negarestan Ketab Publications.
- Honarfar, Lotf Allah. 1976. Scrimshaw, in Jay & Sumi Glock, Survey of Iranian Handicraft, Tehran: Bank- melli Iran.
- Jackson, Abraham Valentine Williams. 2008. Jackson's travelogue (Persian past and present), translated by Manouchehr Amiri and Fereydoon Badrehi, Fifth Edition, Tehran: Elmi va Farhangi Publication.
- Khamachi, Behrooz. 2005. Scattered papers from the history of Tabriz. second edition. Tabriz: Mahd-e Azadi Publications.
- Khamachi, Behrooz. 2010. Tabriz from the perspective of tourists. First Edition. Tabriz: Yaran Publications.
- Khajeh Nasiri, Nasim. 2014. Design and make of metallic ornaments by inspiration of religious icons by emphasis of Tabriz Sahibol-Amr Mosque's gate's icons. M.A.thesis, Advisor:Reza Afhami, Tabriz University of Islamic Art.
- Mohammadzadeh, Mehdi 2007. Illustrated signs and sanctification of power in the Qajar era. Golestan- Honar. No. 8. pp. 61-68.
- Musapur, Ibrahim. 2010. Religious culture in the language and daily semiotics of the Iranian people during the Qajar and Safavid period. Journal of Islamic History and Civilization. No. 11. pp. 166-131.
- Najafi, Asghar and Golchin, Ashraf. 2014. Tabriz Bazaar in the Qajar period. First Edition. Tabriz: Altin Publications.
- Omrani, Behrooz and Aminian, Mohammad. 2007. Speculation in Saheb Abad Square and Hassan Pashah Collection. Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan. No. 50. Pp. 91- 118
- Serena, Madame Carla. 1983. Madame Carlaserne's travelogue. translated by Ali Asghar Saedi. Tehran: Ketab foroshi Zovvar Publications.
- Sim, Stuart. 2020. Marxism and Aesthetics, from the book: Fundamentals of Sociology of Art, translated by Ali Ramin, Ninth Edition, Tehran: Ney Publications.
- Shamim, Ali Asghar. 2005. Iran during the Qajar dynasty. Third edition. Tehran: Zaryab Publications.
- Tavernier, Jean Baptiste. 2010. Travelogue of Tavernier. translated by Hamid Arbab Shirani, second edition, Tehran: Niloufar Publications.
- Torabi Tabatabai, Jamal, 2005. Tabriz History According to Coine and Appendix, Tabriz: Moallef publications.
- Tanavoli, Parviz. 2006. The talisman of traditional Iranian graphics. Tehran: Bongah Publications.
- Thegat-ol-Islam, Mirza Ali Agha. 1953. History of honorable places and prominent men, First Edition, Rezaei Publications.
- Vambery, Arminius. 1993. Vambery, Arminius Life and his Advanture. Translation: Mohammad Hussein Aria. Tehran: Elmi va Farhangi Publication.
- www.qajarwomen.org